

درس خارج اصول آیت‌الله اراکی «جلسه 56»

سال تحصیلی 99_98

نتیجه بحث در نکته پنجم:

اولاً: میان ادله داله بر حکم شرعی واقعی و دلیل دال بر حکم عند فقدان دلیل بر حکم شرعی واقعی طولیت وجود دارد.

ثانیاً: فرق بین اصول عملیه‌ای که دلیل هستند با قواعد فقهیه را بیان کردیم و گفتیم که آنجا که شک در موضوع حکم شرعی است که شک، شک در شبهات موضوعیه است و اصل جاری در آن اصل فقهی و قاعده فقهی است؛ و آنچه موضوع اصل عملی در شبهات حکمیه است فقدان دلیل بر حکم واقعی است و کاری با شک یا ظن ندارد؛ لذا ترجیح می‌دهیم از اماره به دلیل اولی تعبیر کنیم و از اصول به دلیل ثانوی تعبیر کنیم؛ زیرا آنچه به عنوان اصل عملی تعبیر می‌شود نیز دلیل بر حکم است منتهی دلیل ثانوی است.

در اصول فقه خیلی کار با اصول جاری در موضوعات نداریم و اگر هم از شبهات جاری در موضوع بحث کنیم استطراداً است و کار ما در اصول بیان دلیل بر حکم شرعی و قواعد این دلایلیت است و لذا نتیجه کار اصولی را مجتهد استفاده می‌کند ولی قاعده فقهی را مقلد نیز استفاده می‌کند.

این را بحث کردیم که تقسیم ثلاثی شیخ این هم اثر پذیرفته از اصول اهل سنت است. ما در مبانی اصولی شیعی ظن و شک نداریم و جز قطع چیزی نداریم و این از امتیازات اصول شیعه است. لذا مکلف بعد از اینکه از بحث کلامی فارغ شد و علم یافت به وجود خالق؛ بعد از فحص، قطع اجمالی به وجود احکام الزامی پیدا می‌کند و در نتیجه حق الطاعة اقتضا می‌کند که باید فراغ یقینی صورت گیرد و این حق طاعت دو طرف دارد: یک طرفش این است که مولی حق طاعت دارد و این برمی‌آید از این

نکته که او حق امر و فرمانروایی دارد و در نتیجه حق عقاب نیز دارد؛ اما طرف دیگرش نسبت به عبد این است که اگر مخالفت کرد مستحق عقوبت است.

وقتی این حق الطاعة بود نتیجه آن تنجیز است؛ یعنی عقل حکم می‌کند اگر این تکالیف را مخالفت کردی مستحق عقاب هستی.

بیان کردیم که احتمال و شکی در کار نیست؛ بلکه قطع اجمالی است و وقتی مکلف بداند که خدایی دارد و مولایی دارد حق الطاعة به دنبالش می‌آید و این احتمال این را در پی می‌آورد که فحص کند و بعد از این مرحله قطع اجمالی حاصل می‌شود به وجود تکالیف الزامی، و بعد از این مرحله، فحص دوم می‌آید و شخص دنبال دلیل می‌گردد. وقتی دنبال دلیل افتاد یا قطع به حکم واقعی پیدا می‌کند یا قطع به دلایلیت دلیل بر حکم واقعی پیدا می‌کند.

اگر به حق الطاعة قائل نشویم، اگر قطع به وجود تکالیف الزامی هم پیدا شود در صورت مخالفت، استحقاق عقاب نمی‌آید؛ و این حق الطاعة است که استحقاق عقاب در صورت مخالفت می‌آورد.

ما در اصول شیعی کاری با کاشفیت نداریم؛ و آن کار شارع است که به چه دلیل می‌خواهد به ادله حجیت ببخشد؛ لذا شک و ظن مطرح نمی‌شود بلکه با منجزیت کار داریم لذا فقط قطع، مطرح است و ما تحصیل مؤمن از عقاب می‌خواهیم.